



## ارائه مدل حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه

ابوالفضل انصاری

دانشجوی دکتری تخصصی، گروه مدیریت دولتی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

فریدون رهنمای رودپشتی (مسئول مکاتبات)

دانشیار، گروه مدیریت بازرگانی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

roodposhti.rahnama@gmail.com

غلامرضا معمارزاده طهران

دانشیار، گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

فاطمه حمیدی‌فر

استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵

### چکیده

هدف پژوهش حاضر ارائه مدل حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه بود. روش پژوهش عبارت بود از روش مدل معادلات ساختاری به روش آمیخته (کیفی- کمی) و همچنین جامعه پژوهش عبارت بودند از کلیه مدیران مراکز دولتی و بخش خصوصی کارآفرین بزرگ در سال ۱۴۰۰. در بخش کمی، با استفاده از فرمول کوکران ۲۹۲ نفر انتخاب شدند. ابزار تحقیق مصاحبه و پرسشنامه محقق ساخته بود. تجزیه و تحلیل داده‌های جمع آوری شده، در بخش کیفی به روش دلفی و کدگذاری بود و در بخش کمی به دو روش توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزارهای SPSS 16 و Smart PLS انجام شد. نتایج نشان داد هفت مولفه در تبیین مدل حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه نقش دارند که عبارتند از: عوامل اقتصادی (اصلاح ساختارهای بانکی)، ایجاد مزیت رقابتی بین المللی، حذف نهادهای موازی، نوسازی بدنه دولت، ایجاد زیرساخت ها (سخت افزاری نرم افزاری)، نفوذ در بازارهای بین المللی، و در نهایت جوان سازی بدنه دولت. جهت بررسی برازش مدل، به بررسی  $R^2$ ،  $R$  و  $RS$  پرداخته شد که وجود  $X^2$  پایین و نسبت کای دو به درجه آزادی کمتر از سه، و همچنین ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده محاسبه شده؛ نشان‌دهنده برازش مناسب مدل بود.

**کلمات کلیدی:** حکمرانی، توسعه کسب و کار، کسب و کار کارآفرینانه.

## ۱. مقدمه

کارآفرینی و ایجاد کسب و کار یکی از مفاهیم مهم و اساسی در بحث رشد و توسعه اقتصادی کشورهاست. کارآفرینی از منابع مهم و پایان ناپذیر همه جوامع بشری است. منبعی که به توان خلاقیت انسانها باز میگردد. از یکسو ارزان و از سوی دیگر بسیار ارزشمند و پایان ناپذیر است. امروزه کارآفرینی به راهبردی ترین و مهمترین ابزار اقتصادی جوامع پیشرفته تبدیل شده است. در واقع رشد و توسعه اقتصادی کشورها مرهون کارآفرینان و فعالیتهای کارآفرینانه است. از این رو لازمه دستیابی به توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورها، توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه است. صاحبزنان بر نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی و اجتماعی و ایجاد اشتغال اتفاق نظر دارند. فعالیتهای کارآفرینی میتواند به عنوان عوامل کلیدی در افزایش بهره وری باشد. بر اساس این دیدگاه، موفقیت اقتصادی و رقابت پذیری؛ حاصل ترکیب محیط مساعد کارآفرینی، رفتار نوآورانه و ایجاد ترکیب جدیدی از عوامل تولید است که تبدیل به موتور رشد اقتصادی میشوند. کارآفرینان در همه کشورها و فرهنگها وجود دارند ولی سطح و میزان کارآفرینی در جوامع مختلف یکسان نیست. محیط نامساعد برای کارآفرینی معمولاً به رشد اقتصاد زیرزمینی می انجامد. حال آنکه محیط مساعد موجب بهره گیری از فرصتهای کارآفرینانه میگردد. کارآفرینی به معنای نوآوری، خلاقیت، رهبری، به حداکثر رساندن سود یا شروع یک کار جدید است. بررسی های خط مشی های کارآفرینی در کشورهای مختلف نشان میدهند که دولتها، سیاستهای متنوعی برای توسعه کسب و کار کارآفرینانه دنبال میکنند. به بیان دیگر سیاستهای کارآفرینی به شرایط خاص کشور و ماهیت خاص خط مشی بستگی دارد. در دهه های اخیر، مطالعات مربوط به نقش دولت در اقتصاد از مباحث مربوط به اندازه دولت و وظایف آن به مقوله کیفیت دخالت دولت معطوف گشته است. این تغییر نگاه به مقوله دولت در اقتصاد، موجب ارائه دیدگاه جدیدی تحت عنوان حکمرانی گشته است.

حکمرانی نیازمند رویکردی گسترده نسبت به مشارکت طیف وسیعی از گروهها شامل دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی به صورت شفاف میباشد. در این راستا کیفیت حکمرانی نشان دهنده توانایی دولت ها در تدوین و اجرای سیاست های تأثیرگذار در بهبود فضای کسب و کار، رشد و توسعه اقتصادی و گسترش کارآفرینی است. اگر قرار است کارایی و اثربخشی کسب و کارهای کارآفرینانه در کشور افزایش یابد، باید تعاون و همدلی در بخش دولتی و خصوصی و نهادهای مدنی حاصل گردد. لذا تحقیق حاضر درصدد است توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه را از منظر امور حاکمیتی، امور قراردادی، و امور مشارکتی مورد بررسی قرار داده و با ارائه مدل حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه به تحقق اهداف توسعه کمک نماید. توسعه و شکوفایی بخش بزرگی از اقتصاد جوامع گوناگون در دنیای امروز وابسته به سازوکارهایی است که در آن کسب و کارهای جدید شکل گرفته و توسعه میابند. سازوکارهای توسعه کسب و کارها مجموعه راهکارهایی است که توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط را در یک جامعه تسهیل میکند و شرایطی را برای کارآفرینان فراهم می سازد تا بتوانند موقعیت رقابتی خود را در بازار بهبود بخشند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۳). در این میان افراد کارآفرین هر جامعه نقش اصلی را در ایجاد این کسب و کارها ایفا میکنند و کارآفرینی ابزاری نیرومند برای شناخت فرصتهایی است که بهره گیری از آنها میتواند باعث رفع مشکلاتی همچون اشتغال، کمبود نیروی انسانی خلاق و پویا، پایین بودن بهره وری، کاهش کیفیت محصولات و خدمات، رکود اقتصادی و افزایش رقابت شود (Landstrom, 2005). بنابراین بسیاری از دولتها متقاعد شده اند که باید بستر رشد و توسعه را برای کسب کارهای کارآفرینانه فراهم سازند و آن ها را حمایت کنند (Kyaw, 2008). دیده بان جهانی کارآفرینی (GEM) هر ساله آماري از وضعیت کارآفرینی در کشورهای زیادی از دنیا ارائه می دهد که وضعیت کارآفرینی را در شاخص های متنوعی در سراسر دنیا نشان می دهد اما در عین حال بیان می کند که هر کشوری با توجه

به وضعیت فاکتورهای محیطی و زمینه ای خود، در سطح مشخصی فعالیت کارآفرینانه را خواهد داشت. از طرف دیگر در حالی که دیدگاه‌های رایج در مورد کارآفرینی غالباً روی استارت‌آپ‌های مستقل متمرکز است، GEM توجه به ثبات و ارزش مداوم و همچنین چالش‌های مربوط به کسب‌وکارهای بالغ و نیاز به کارآفرینی در انواع مختلف مشاغل مانند کسب‌وکارهای خانوادگی، کارآفرینی سازمانی، و کارآفرینان انفرادی را مورد توجه قرار می‌دهد. بر اساس گزارش این سازمان در سال ۲۰۱۸، با وجود اینکه نرخ فعالیت های استارت‌آپی در ایران از ۱۳ درصد در سال ۲۰۱۷ به ۱۰ درصد در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته است، اما جامعه کارآفرینی ایران همچنان قوی است. همچنین طبق گزارش سال ۲۰۱۹ این سازمان، ۳۷.۹٪ مردم ایران در صد راه اندازی کسب و کار جدید خودشان در ۳ سال آتی هستند (شاخص قصد کارآفرینانه) و در میان ۵۰ کشور فعال عضو این کنسرسیوم پژوهشی، ایران در این شاخص در جایگاه یازدهم قرار دارد که جایگاه خوبی است. به تازگی نرخ اهداف کارآفرینانه در بین جوانان، به ویژه موارد با تحصیلات دانشگاهی افزایش یافته است که این موضوع به دلیل تاکید دولت بر ترویج فرهنگ کارآفرینی در آموزش عالی و آموزش و پرورش است. لذا در حوزه کسب و کارهای کارآفرینانه، پتانسیل خوبی برای بهبود و توسعه وجود دارد و توجه و سرمایه گذاری در این زمینه برای تحقق رشد و شکوفایی اقتصادی کشور، ضرورتی انکارناپذیر است. این در حالی است که از میان افرادی که در یک بازه زمانی سه ساله در کشور، قصد کارآفرینی داشتند، تنها ۱۷ درصد وارد مرحله کارآفرینی نوپا شده اند و در بین آنان تنها ۷ درصد به مرحله ثبات رسیده و ۴ درصد از کسب و کار خود خارج شده اند (GEM, 2015). این آمار نشان می‌دهد عملکرد مطلوبی به لحاظ سیاست گذاری در حوزه کسب و کار وجود نداشته است، چرا که بی توجهی به ایجاد و توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه به معنای از دست دادن فرصت های رونق اقتصادی است که شاید هیچگاه دوباره تکرار نشوند.

از سوی دیگر در کشورهای در حال توسعه، همه کارها از جمله اشتغال، با چالش دولت محوری رو به رو است. به این معنا که دولت در تمام حوزه‌های اشتغال ورود پیدا می‌کند و اقتصاد به معنای واقعی دولتی است. برای برون رفت از این مشکل، توجه به کارآفرینی و کارآفرینان قطعا می‌تواند موثر واقع شود. بر اساس آمارها در حدود ۴.۵ میلیون فارغ التحصیل بیکار در کشور داریم در حالیکه کل نیروهای شاغل در ادارات دولتی کشور به ۲.۵ میلیون نفر هم نمی‌رسند و اگر به فرض مثال تمام نیروهای ادارات با فارغ التحصیلان جایگزین شوند، باز هم حدود ۲ میلیون نفر فارغ التحصیل بیکار خواهیم داشت. لذا تنها راه برون رفت از معضل بیکاری در کشور ایجاد و توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه است (اقتصاد آنلاین: نقل از روشن، ۱۴۰۰). توسعه کارآفرینی نقش شایسته‌ای برای حضور فعال در بازارهای جهانی، اشتغالزایی پایدار، نوسازی بدنه دولت، کاهش فقر و حل مشکلات جامعه دارد. کارآفرینان در همه کشورها و فرهنگها وجود دارند. ولی سطح و میزان کارآفرینی در جوامع مختلف یکسان نیست. محیط نامساعد برای کارآفرینی معمولاً به رشد اقتصاد زیرزمینی میانجامد. حال آنکه محیط مساعد موجب بهره گیری از فرصتهای کارآفرینانه میگردد (Aftab & Naveed, 2018). طبق گزارشات دیده بان جهانی کارآفرینی، هر اقتصاد از نظر میزان فعالیت در مراحل مختلف کارآفرینی، خصوصیات کارآفرینان و کسب‌وکار آنها و نگرش‌ها و برداشت‌هایی که مردم نسبت به این فعالیت دارند، مشخصات کارآفرینانه خاص خود را دارد. به همین ترتیب، محیطی که در آن فعالیت می‌شود هم در هر کشوری منحصر به فرد است و نقاط قوت و ضعفی دارد که کارآفرینان آن منطقه باید برای رشد از آنها استفاده کرده و یا بر محدودیتهایش غلبه کنند. بر اساس الگوی مفهومی دیده بان جهانی کارآفرینی، سازوکارهایی که به ایجاد و توسعه کسب و کارهای جدید کمک میکنند عبارتند از: تأمین مالی، سیاستهای دولت، برنامه های دولت، آموزش و تربیت، انتقال تحقیق و توسعه، زیرساختهای قانونی و

و به گردش درآوردن سرمایه های خوابیده در کشور می گردد.

## ۲. مروری بر ادبیات نظری

### ۱-۲ مفهوم حکمرانی

حکمرانی، مفهوم جدیدی است که از پیوند میان سیاست و اداره کردن جامعه به وجود آمده است و هدف آن، افزایش کارآمدی یک نظام سیاسی و اقتصادی برای اداره جامعه است؛ به طوری که شواهدی از توسعه پایدار را در یک کشور نمایان سازد (دانایی فر و همکاران، ۱۳۹۱). مفهوم حکمرانی برگرفته از مکتب نهادگرایی است و محصول مشارکت سه نهاد دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. حکمرانی نه تنها روایتی نو از مفاهیمی همچون دموکراسی، حقوق بشر، پاسخگویی، مشارکت و حاکمیت قانون است، بلکه در عین حال چارچوبی به دست میدهد که همه اهداف و ارزشها در یک جا جمع شوند و اهداف توسعه انسانی اعم از توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با محوریت مردم، دنبال شود (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰). بانک جهانی، حکمرانی را شیوه استفاده از قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی برای دستیابی به توسعه پایدار تعریف نموده است (لطیف، ۱۹۹۲). استیگلیتز معتقد است تعامل سازنده دولت بازار میتواند راهگشای موفقیت فرایند اصلاحات اقتصادی باشد. بر این اساس، دولت و بازار دو نهاد مکمل هستند، نه دو نهاد رقیب. همچنین از دیدگاه تیلور، حکمرانی خوب، مدیریت اثربخش منابع اقتصادی و اجتماعی میباشد؛ به گونه ای که چنین مدیریتی شفاف و پاسخگو باشد (تیلور، ۲۰۰۰). در حکمرانی شراکت بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در انجام فعالیتهای وجود دارد که گاهی فراتر از مشارکت است (آقانساب و تقوی، ۱۳۹۴). این امر سبب میشود که از امور عمومی به شکل بهینه تری بهره برداری شود، زیرا مسئولیت اداره عمومی بین سه نهاد، تقسیم شده و هر سه بخش مذکور در تعامل با یکدیگر قرار دارند، به گونه ای که ضعف و قدرت بیش از حد یکی از آنها تعادل اجتماعی را بر هم خواهد

تجاری، دسترسی به زیرساختهای فیزیکی، هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، و فضای آزاد بازار. همچنین نتایج تحقیق انصاری و سلمانی زاده (۱۳۸۸) نشان داد که مؤلفه هایی از قبیل تجربه شخصی، نقش دولت، نقش بخش خصوصی، عوامل سیاسی داخلی و خارجی، عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل فناوری و عوامل جمعیتی در توسعه کسب و کارها تأثیر داشته اند. بنابراین با توجه به مطالب مطرح شده این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که چه ترکیبی از مسئولیت و پاسخگویی بین نهادهای دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی منجر به توسعه بهینه کسب و کارهای کارآفرینانه می شود؟ از آنجا که حکمرانی در سه حوزه امور حاکمیتی، امور قراردادی، و امور مشارکتی قابل بررسی است، لذا سوال اصلی تحقیق این است که مدل حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه در ایران چگونه است؟ نتایج این پژوهش به بهبود شاخص های توسعه کسب و کار و ارتقای جایگاه ایران در گزارشات بین المللی کمک میکند. فضای کسب و کار کشورها بر اساس این شاخصها مورد تحلیل قرار میگیرد. شاخص های محاسبه شده توسط نهادهای بین المللی تا حدودی میتوانند بیانگر مسیر و وضع مقایسه ای فضای کسب و کار کشور به ویژه در مقایسه با دیگر کشورهای جهان باشند. ضمناً این شاخصها میتوانند نمایانگر برخی گلوگاه های بازدارنده کشور برای سیاست گذاریهای اقتصادی باشند. از سوی دیگر کنش نظام بین المللی با کشور از نتایج شاخص های منتشر شده توسط نهادهای بین المللی تأثیر میپذیرد و عموماً سیاست گذاران بین المللی و فعالان اقتصادی نتایج این شاخصها را به عنوان معیار تصمیم گیری در ارزیابی محیط کسب و کار کشورها مورد استفاده قرار میدهند، همچنین سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی خارجی به این رتبه بندیها توجه داشته و همواره بر مبنای این شاخصها و آمارها دست به انتخاب میزنند. بهبود و توسعه فضای کسب و کار همچنین باعث جلوگیری از مهاجرت نخبگان و فرار مغزها شده و تجلی اقتصاد مردم سالاری در یک جامعه است. ضمن اینکه باعث افزایش روحیه ریسک پذیری و خلاقیت

زد (کميجانی و سلاطين، ۱۳۸۹). در این راستا کیفیت حکمرانی نشان دهنده توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست های تأثیرگذار و مقرراتی که منجر به ترویج و توسعه بخش خصوصی و کارآفرینی میشود، می باشد. دولتها با تصویب مقررات مناسب از طریق شفاف تر ساختن ساختارهای موجود، برابرسازی فرصتها و کاهش هزینه های رانت جویانه و همچنین از طریق به هنگام سازی نظام حقوقی می توانند نقش قابل توجهی در بسترسازی لازم برای کارکرد مناسب بازار در اقتصاد داشته باشند. مطالعات مختلف نشان میدهند دولتهایی که بالاترین سطح دخالت را در کشورها اعمال میکنند، دارای بیشترین قوانین و مقررات هستند. هر چه تعداد قوانین و مقررات بیشتر باشد، دست و پاگیری آنها هم زیادتر بوده و در نهایت ساختارهای دولتی حجیم تر و بزرگتری را طلب میکند که این امر مانع شکوفایی فعالیتهای اقتصادی و کارآفرینی میشود. مایور (۱۹۹۵)، لاپور و همکاران (۱۹۹۸) با بررسی ساختارهای حکمرانی و کیفیت نهادها نشان دادند که کیفیت حکمرانی اثرات مستقیمی را بر بهبود فضای کسب و کار، کارآفرینی و رشد و توسعه اقتصادی دارد. کیفیت حکمرانی به عنوان یک عامل نهادی موثر بر اعتماد افراد به دولت، می تواند بر بهبود فضای کسب و کار و کارآفرینی اثر گذار باشد. پیشرفت اقتصادی کشورهای توسعه یافته این ایده را تقویت می نماید که برقراری تفکر حکمرانی، مجموعه ای از نهادها را در جامعه ایجاد خواهد کرد که این نهادها خود تضمین کننده رشد مستمر و دستیابی به توسعه پایدار خواهند بود و توسعه کارآفرینی را به دنبال خواهند داشت. لذا توانمندسازی دولتها و بهبود کیفیت حکمرانی قابلیت استفاده از تمامی تواناییها و استعدادهای جامعه را فراهم خواهد آورد و دولت و بازار را چنان مقابل هم قرار میدهد که مکمل هم باشند (رنانی، ۱۳۷۶).

## ۲-۱-۱ شاخص های جهانی حکمرانی

بانک جهانی حکمرانی را به عنوان سنت ها و نهادهایی تعریف مینماید که توسط آنها قدرت به منظور مصلحت

عمومی در یک کشور اعمال میشود که مشتمل بر ۱- فرایندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تفویض میشوند؛ ۲- ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست های درست؛ ۳- احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره میکنند (کافمن و همکاران، ۲۰۰۷). بانک جهانی حکمرانی را بر اساس شش شاخص تعریف نموده که عبارتند از: حق اظهارنظر و پاسخگویی: بدین مفهوم که مردم بتوانند دولت را در برابر آنچه که بر آنها تأثیر میگذارد مورد سوال و بازخواست قرار دهند. افراد قادر باشند اهداف خود را انتخاب و پیگیری نمایند و آزادانه نظرات خود را بیان کنند. آزادی بیان سبب مشارکت افراد میشود و این مشارکت عاملی برای رهبری و مشروعیت بخشیدن به سازمانها و نهادها و رضایت بیشتر افراد و بهبود کیفیت زندگی است (سیمون، ۲۰۰۸). حاکمیت قانون: حاکمیت قانون میزان احترام عملی که دولت مردان و شهروندان یک کشور برای نهادهایی قائل هستند که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده است. افراد در برابر قانون یکسان بوده و حقوق اکثریت و اقلیت مورد توجه قرار میگیرد. حاکمیت قانون امنیت و احساس خوشبختی و رضایت از زندگی را فراهم کند. در این زمینه قوه قضائیه مستقل یک پیش نیاز است (قلی پور، ۱۳۹۳). اثربخشی دولت: اثربخشی دولت کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله که شامل مقولات ذهنی همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی است (آرنت و عمان، ۲۰۰۸). اثربخشی دولت میتواند نتایجی را به بار بیاورد که نیازهای جامعه را برآورده سازد و دولت از منابع محدود تحت اختیار خود بیشترین استفاده را ببرد و به بهبود کسب و کار و آزادی اقتصادی و در نتیجه رفاه بیشتر منجر شود. در واقع عملکرد نامناسب دولتها، حجم کاری زیاد و توان ناکافی دولتها برای خدمت رسانی زمینه سلب اعتماد شهروندان و در نتیجه افزایش دغدغه ذهنی آنان را فراهم

و پاگیر و سختگیرانه و کنترل دستوری بازار با افزایش ریسک و موانع، به تضعیف کارآفرینی منجر میشود. با بهبود کیفیت حکمرانی، کارآفرینان و سرمایه گذاران از موانع حاصل از وضع مقررات اضافی در زمینه هایی مانند تجارت خارجی و توسعه کسب و کار رهایی می یابند (فتاخی و صباحیان، ۱۳۹۵). در این تعریف، هر اندازه ویژگیهای مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر و فساد، مقررات اضافی و بی ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد کیفیت حکمرانی در آن جامعه برای نیل به توسعه اقتصادی مناسبتر خواهد بود (کناک و کفر، ۱۹۹۷).

## ۲-۲- الگوهای سنتی مدیریت دولتی

الگوی سنتی مدیریت را می توان اداره امور تحت کنترل رسمی رهبری سیاسی دانست که مبتنی بر یک الگوی سلسله مراتب دقیق بوروکراسی است. لغت «بوروکراسی» نخستین بار توسط «وینسنت گرومی» در سال ۱۷۶۵ وضع شد. «ماکس وبر»، در اوایل قرن بیست متوجه اهمیت بوروکراسی شد. از آنجا که مهم ترین مساله وبر مدرنیته و عقلانیت مدرن بود، به ناچار توجه معطوف سازمان های مدرن گردید (سرزعی، ۱۳۹۶: ۵). پیش فرض اساسی در الگوی بوروکراسی این چنین است که مقامات ثابت بی طرف و گمنام در آن بکار گمارده می شوند. عامل انگیزش آنها، صرفا علائق عمومی است، به همه احزاب حاکم به طور یکسان و برابر خدمت می کنند. در سیاست گذاری دخالت ندارند، بلکه صرفا خط مشی هایی را که توسط سیاستمداران وضع می شوند، به مورد اجرا می گذارند (هیوز، ۱۳۹۷: ۱۴۰). الگوی سنتی اداره امور دولتی، که پابرجاترین و موفق ترین نظریه مدیریت در بخش دولتی است در حال جایگزینی شدن می باشد. دلایل بسیاری برای این جایگزینی وجود دارد. در الگوی سنتی گرایش به سوی خشکی و بوروکراتیک بودن، توجه به فرایند به جای پیامد و تاکید بر دستور العمل ها به جای تاکید بر نتایج وجود دارد. از سال ۱۹۷۰ انتقادهای مستدل و دقیقی درباره بی کفایتی بوروکراسی های خشک که زمانی به عنوان وسیله

می آورد (سیمون، ۲۰۰۸). ثبات سیاسی و عدم خشونت: به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات موثر دولت و سیاستهای جاری در صورت مرگ و میر یا تغییر رهبران و دولت مردان فعلی میپردازد. وجود بی ثباتی های سیاسی موجب تزلزل در سیمای اجتماعی کشور میشود و در کارایی و کنش موثر دولت و همچنین جذب سرمایه گذاریهای خارجی تأثیرگذار است (دانایی فرد، ۱۳۸۸). کنترل فساد: فساد اداری به مجموعه رفتارهای آن دسته از کارکنان بخش عمومی اطلاق میشود که در جهت تأمین منافع شخصی، قواعد و مقررات پذیرفته شده را نادیده میگیرند (هانتینگتون، ۱۳۸۵). فساد به تحمیل هزینه های ناعادلانه و تخریب پایه های اقتصادی و دور شدن از فعالیتهای مولد و کارا منجر میشود و رفاه عامه را تقلیل میدهد. مبارزه با فساد به بهبود شاخص های اجتماعی و اقتصادی نظیر سرمایه گذاری خارجی بیشتر، رشد اقتصادی، سواد بالاتر، حقوق مالکیت قویتر و افزایش کسب و کار میشود و زمینه برای بهبود کیفیت زندگی فراهم میشود. بار مالی مقررات: در بحث بار مالی مقررات، به تلقی مردم، کارآفرینان و سرمایه گذاران از موانع حاصل از وضع مقررات اضافی در زمینه هایی مانند تجارت خارجی و توسعه کسب و کار توجه شده، حدود و میزان سیاست های نابازاری همچون مقررات کنترل قیمتها تعیین میگردد (کمیجانی و سلاطین، ۱۳۸۹). دولتها با ایجاد نهادهای کارآمد، محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه ای کم هزینه فراهم میسازند تا از این طریق زمینه تقویت اقتصاد و توسعه کارآفرینی را فراهم نمایند. وجود حکمرانی خوب و اعتماد به نهادهای دولتی و اثربخشی آن، تمایل شهروندان را برای پذیرفتن ریسک سرمایه گذاری، مدیریت و یا شروع یک کسب و کار جدید افزایش میدهد. با این منطق که منافع عملی شروع و مدیریت کسب و کار جدید باید بیش از موانع و ریسکهای آن باشد تا کارآفرینی عملا ایجاد شود. از طرف دیگر ضعف حکمرانی و نبود دولتی اثربخش، عدم شفافیت، عدم ثبات سیاسی، بالا بودن تعرفه های مالیاتی و مقررات دست

هر دوی آن‌ها به طو رموثر از طریق انجام تکالیف اداری توسط سیاستمداران و قبول مسئولیت سیاسی توسط روسای اداری، در هم آمیخته اند (کایدن، ۲۰۱۲).

### ۲-۳- مدیریت دولتی نوین ۱

در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ در پاسخ به نارسایی های مدل کلاسیک یک رویکرد نوین مدیریتی در بخش دولتی ظهور کرد. این رویکرد بوجود آمد تا برخی از مشکلات و مسائل مدلی پیشین را از میان بردارد، لیکن متضمن تغییرات شگرفی در نحوه اداره بخش دولتی شد (هیوز، ۱۳۹۷: ۱۴۵). مدیریت دولتی نوین یا مدیریت گرایی راهکاری بود در جهت اصلاح الگوی اداره امور عمومی که سعی دارد سازوکارهای بخش خصوصی را در بخش دولتی پیاده کند. پالیت ۲ در سال ۲۰۱۴ جنبش مدیریت دولتی نوین را به عنوان سیستم فکری ایدئولوژیک مطرح می کند که با ویژگی به کارگیری ایده های بخش خصوصی شناخته می شود. ویرتانن ۳ در سال ۲۰۱۶ معتقد است مدیریت دولتی نوین ریشه در تزویج دو جریان مختلف دارد: ۱- اقتصاد بنیاد گرایی نوین، ۲- مدیریت گرایی مبتنی بر بازار (هود، ۲۰۱۹). هوپ ۴ (۲۰۱۲) پایه بنیادین شکل گیری مدیریت دولتی نوین را در کاربرد بازار اقتصادی به عنوان مدلی برای روابط اداری و سیاسی خلاصه می کند. بطور کلی مدیریت دولتی نوین از دو نظریه علم اقتصاد و مدیریت بخش خصوصی ارتزاق می کند. هر چند بین بخشهای دولتی و خصوصی تفاوت های اساسی وجود دارد، اما این به معنی آن نیست که فنون و نظریه های بخش خصوصی در بخش دولتی کاربرد ندارد. تمرکز بر نتیجه و توجه به برنامه ریزی استراتژیک در بخش دولتی از بخش خصوصی اقتباس شده است. رویکرد مدیریتی، معانی بسیاری دارد: «مدیریت گرایی» (پولیت، ۱۹۹۰)، «مدیریت دولتی نوین» (هود، ۲۰۱۹)، «اداره امور دولتی بر اساس بازار» (لن ورزنبلوم، ۲۰۱۶) و یا «دولت کارآفرین» (آزبورن و گیبیلر، ۲۰۱۶). نامهای گوناگون برای مدیریت دولتی نوین، نشانگر دیدگاه های مختلف درباره رویدادهای کنونی است. با وجود این،

ای برای تحقق بالاترین سطح کارایی مورد توجه بودند، به عمل آمد. دولت ها توجه خود را از دستور العملهای رسمی، ساختارها، اقدامات حفاظتی، به سوی نتایج معطوف کردند و کمتر درباره ابزارهای نیل به نتایج به بحث می پرداختند. الگوی سنتی، تقریباً پس از یکصد سال که از عمر آن می گذرد، در معرض فروپاشی قرار گرفته است. نظریه های الگوی سنتی و نحوه ی عمل به آن در حال حاضر، قدیمی به حساب می آیند و به هیچ وجه با نیازهای جامعه ی متحول امروز تطبیق ندارند. عقیده بر آنست که اداره امور، یک وظیفه محدودتر و کم دامنه تر از مدیریت است و در نتیجه گذار از اداره امور دولتی به مدیریت دولتی به معنای ایجاد تغییر عمده از جنبه تئوری و عملکرد می باشد. اداره ی امور از ریشه «minor» و سپس از ریشه «Minstar» به معنای «خدمت کردن» و به دنبال آن «حکومت کردن» است. مدیریت از ریشه «Manus» به معنی «کنترل کردن و دستیابی به نتایج» نهفته است. از تعاریف متعددی که در متون و فرهنگ های لغت تخصصی از این دو واژه به عمل آمده، چنین استنباط می شود که توجه اداره امور دولتی بر فرآیند، بر دستور العمل ها و قواعد متداول و مرسوم متمرکز است، حال آن که مدیریت دولتی فراتر از این است. به جای آنکه فقط از دستور العمل ها پیروی کند، بر تحقق نتایج و قبول مسئولیت آنها تاکید دارد (همان: ۱۴۱). در الگوی سنتی اداره امور دولتی، قوانینی که رهبری سیاسی و بوروکراسی را به یکدیگر وصل می کند، حداقل در سطح نظری روشن و واضح هستند. وودور ویلسون به عنوان استاد اداره امور دولتی پیش از احراز مقام ریاست جمهوری امریکا، عقیده داشت که باید حد فاصل سیاست از اداره کاملاً روشن باشد، یعنی باید تعیین خط مشی از اجرای خط مشی که وظیفه ای کاملاً اداری است، تفکیک شده باشد (هیوز، ۱۳۹۷: ۱۴۱). هر چند تئوری جدایی سیاست از اداره بخش اصلی مدل سنتی اداره است، ولی بیشتر یک افسانه تلقی شده است و بخصوص برای طفره رفتن از مسئولیت مفید بوده است. در دنیای واقعی

<sup>۲</sup> - Virtanen  
<sup>۴</sup> - Hoope

<sup>۱</sup> - New Public Management  
<sup>۲</sup> - Pollitt

همه اینها در نکاتی نیز اشتراک دارند: نخست مدل را هر چه بنامیم انتقال عمده ای از اداره امور دولتی سنتی، به توجه بسیار زیاد به دستیابی به نتیجه ها و مسئولیت های فردی مدیران است. دوم، توجه صریحی به فاصله گرفتن از دیوان سالاری کلاسیک، برای انعطاف پذیر کردن سازمان ها، کارکنان، شرایط و مقررات استخدامی است. سوم، هدف های فردی و سازمانی باید به روشنی تدوین شوند، تا اندازه گیری از طریق شاخص های عملکردی (PI) امکان پذیر شود. به همین طریق ارزیابی سیستماتیک برنامه های اجرایی بیشتر صورت خواهد گرفت. سه مولفه صرفه جویی، کارایی و اثر بخشی محرک های اصلی نکات پیش گفته اند. چهارم، کارکنان بلند پایه، به جای آنکه بدون گرایش خاص سیاسی و بی طرف باشند، تمایل دارند که از نظر سیاسی به دولت حاکم متعهد باشند. پنجم، وظایف دولت هر چه بیشتر با آزمون بازار روبرو می شوند، مثل واگذار کردن کارها به دیگران توسط قرار داد و این چیزی است که برخی نویسندگان آن را «هدایت کردن قایق به جای پارو زدن» خوانده اند. دخالت دولتی نباید همیشه به معنای انجام کار توسط ابزارهای بوروکراتیک باشد. ششم، روند کاستن از وظایف دولت از طریق خصوصی سازی نیز وجود دارد که در بعضی موارد، سرعت بسیاری دارد. این لزوماً به معنای بخشی از برنامه مدیریتی نیست، زیرا اصلاحات یاد شده ممکن است بدون کاستن از دامنه وظایف و مسئولیت های دولت روی دهند. ولی به هر حال، این دو مساله در یک زمان روی می دهند. اشتراک همه این نکات در آنست که توجه از فرآیندها به نتایج منتقل می شود (هیوز، ۱۳۹۷: ۱۴۷).

### ۲-۳-۱- ویژگی های مدیریت دولتی نوین

در سالهای اخیر علاقه روزافزونی به مطالعه مدیریت دولتی نوین، اصلاحات، شاخصهای عملکرد بخش عمومی (PI) و تاثیر مدرنیزه کردن اداره امور عمومی در بین ملل و جوامع، در حال گسترش می باشد. برای نمونه مطالعات نشان می دهند که نیاز برای مدرنیزه ساختن بخش عمومی، اغلب پاسخی به سطوح پایین اعتماد شهروندان به دولت

می باشد (بوکارت و وال، ۲۰۱۳). تصویر منفی شهروندان از دولت و اداره امور عمومی ممکن است پیامد نحوه اجرای وظایف این سازمان ها باشد. بدین معنی که کیفیت بهتر خدمات عمومی موجب رضایت استفاده کنندگان این خدمات و در نتیجه افزایش اعتماد به دولت می گردد (گلاسر و بارتلی، ۲۰۱۸). بعلاوه برخی مطالعات نشان می دهند که اعتماد به دولت موجب مستحکم تر شدن و افزایش توان سیستم های دموکراتیک می شود (بور، ۲۰۱۵). باید توجه داشت که دموکراسی پایدار نیازمند مشارکت و همکاری فعال شهروندان در حوزه های مختلف می باشد (بکس، ۲۰۱۸). علیرغم برخی انتقادات در مورد همکاری و مشارکت شهروندان در حوزه های مدیریتی اداره امور، اغلب تحقیقات حاکی از نقش تاثیرگذار مشارکت شهروندان در امور اداری و سیاسی می باشند (ویگودا، ۲۰۱۲). بحث اصلی این تحقیقات این است که مشارکت شهروندان در سطوح سازمانی / بوروکراتیک و اجتماعی / سیاسی به احتمال زیاد موجب افزایش اعتماد شهروندان به اداره امور می گردد، چرا که مشارکت شهروندان موجب افزایش آگاهی و اطلاعات آنها در خصوص فرایندها، نتایج و دست آوردها گشته و انتظارات آنان از دولت را تعدیل می سازد (رز، ۲۰۱۸). به احتمال زیاد پاسخگویی به شهروندان به عنوان ارباب رجوع هسته و ویژگی اصلی مدرنیزه ساختن اداره امور عمومی می باشد چرا که بوروکراسی پاسخگو خدمات و کالاها را با سرعت و دقت بالایی به مقصد می رساند. پاسخگویی در ارتباط تنگاتنگ با سرعت و دقت پاسخ به انتظارات و نیازمندی های ارباب رجوع می باشد زیرا سرعت موجب کاهش زمان انتظار و دقت باعث پاسخ مناسب به نیازها و خواسته های ارباب رجوع می گردد (استوارت و استوارت، ۲۰۱۴). اروین و استنسبری در مطالعه ای که در ارتباط با مزایا و معایب مشارکت شهروندان در سطوح مختلف سازمانی و اداری انجام دادند اینگونه نتیجه گیری کردند که ایده آل ترین شرایط برای چنین مشارکتی می تواند پیوندهای اجتماعی مستحکم، گروه های کوچک سازمان یافته محلی،



میزان اهمیت و ضرورت موضوع و بلاخره تمایل افراد به مشارکت داوطلبانه می باشد (ایوان و استانسوری، ۲۰۱۸). علیرغم انتقاداتی که توسط برخی محققان به مشارکت شهروندان نابهنجار در تصمیم گیری امور اداری می شود، در کل این مشارکت می تواند زیربنای ایجاد سیستم اداری دموکراتیک، سالم و متوازن گردد. گفته شد که مشارکت افراد در فرآیندها و تصمیم گیری های اداری موجب افزایش اعتماد آنان به دولت می گردد. برخی از محققان معتقدند که اعتماد بیش از حد به دولت موجب نادیده گرفتن برخی اعمال و سیاست های ناسالم دولت می گردد. اگرچه سطحی از اعتماد برای قانونگذاری و اداره امور سیستم های دموکراتیک لازم و ضروری می باشد اما اعتماد بیش از حد شهروندان به دولت موجب بروز شرایطی می گردد که اصول اولیه سیستم های دموکراتیک را با خطر روبرو می سازد (نرگسیان، ۱۳۹۹: ۶۴). در گذشته، شیوه های کنترل شده متمرکز در ساختار دولتی جوابگوی نیازهای بیشتری از شهروندان بود اما در شرایط کنون و با توجه به گستردگی و پیچیدگی فعالیت های دولت بدون مشارکت و هم اندیشی با شهروندان در یک ساختار مشارکتی راه دیگری برای ادامه حیات در مدیریت دولتی وجود ندارد. با بهره گیری از نیروهای مردمی و مشارکت دادن شهروندان چرخه فعالیت های دولتی سرعت گرفته و به منظور نیل به این هدف باید الگوهای ساختاری دولت از سلسله مراتبی به غیر سلسله مراتبی و گروهی جهت مشارکت افراد بدهد و نگرش و تفکر درباره رهبری و مدیریت باید عوض شود و رهبری و مدیریت را به عنوان فرایندی برای توسعه، بالندگی و توانمندسازی کارکنان ببیند و آرمان مشترک برای گروه ایجاد کنند. امروزه شهروندان، انتظار دریافت خدمات با کیفیت بالاتری را دارند. بنابراین دولت ها باید قابلیت هایی برای شهروندان و ذینفعان فراهم آورند تا آن ها بتوانند در موضوعات عمومی مشارکت فعال تری داشته باشند و نهایتاً، انتظارات پرسنل سازمان ها تغییر کرده است و پاسخگویی به این انتظارات، شرایط جدیدی را می طلبد؛

پاسخگویی به این چالش ها نیازمند برخورداری از پارادایم های دولت الکترونیک، حکمرانی خوب و خدمات عمومی نوین در سطح کلان جامعه است. با این وجود، در حال حاضر مدیریت دولتی هر یک از جوامع، با توجه به فرهنگ اجتماعی، سیاسی موجود خود از یکی از این پارادایم ها یا مجموع آنها بهره می برند (نرگسیان، ۱۳۹۹: ۶۵). پژوهشگران متعددی به رویکرد جدید مدیریتی پرداخته اند. جنبه مثبت این موضوع، بیشتر متعلق به آزیورن و گیلبر ۵ می باشد که آن را از دیدگاه قبلی خود مبنی بر اینکه دولت باید «بازسازی شود» استنتاج کرده اند. این نویسندگان اعلام می کنند که دولت را قبول دارند و می پذیرند که دولت قادر به انجام کاری است که از عهده بازار بر نمی آید. به هر حال، آن ها ادعا می کنند که بوروکراسی هم غیر ضروری و هم فاقد کارایی می باشد و می بایست به وسایل دیگر متوسل شد (هیوز، ۱۳۹۷: ۱۴۹). طراحی مجدد دولت و بازسازی آن یکی از بهترین ابزارهای حل مشکلات بخش دولتی است این موفقیت موجب می شود تا سرخوردگی گسترده از بوروکراسی و دولت بوروکراتیک رفع شود و به خواست مردم برای اجرای طرح های جدید که دولت را از ورطه مشکلات می رهند، پاسخ می دهد. مدیریت دولتی سنتی، به دنبال ساختارهای ایستا و تغییرات کم بود اما مدیریت دولتی نوین به دنبال ساختارهای پویا و تغییرپذیر است، شکل های تغییرپذیر سازمانی، ساختارهای انعطاف پذیر، تمرکززدایی، آموزش حساسیت، بهبود سازمانی و مشارکت همه افراد از جمله ویژگی های مدیریت دولتی نوین محسوب می گردد. مدیریت دولتی نوین تنها به دنبال اقتصاد بهتر نیست بلکه به دنبال سیاست های اجرایی برای بهبود کیفیت زندگی افراد، توسعه و تقویت نهادهای حل مشکلات عمومی جامعه است. مدیریت دولتی نوین، متعهد به برقراری عدالت اجتماعی از طریق مدیران اجرایی قوی دارد که «هامیلتون» از آن به عنوان «عامل انگیزش مدیران اجرایی» یاد می کند. مدیریت دولتی نوین کمترین توجه را به توسعه شهری، بوروکراسی های غیرمستول،

- قائل شدن اولویت برای استفاده از انگیزه های مالی در قیاس با انگیزه های غیرمالی (نظیر اخلاقیات، شعارها، و موقعیت اجتماعی).

- تأکید بر کاهش هزینه، افزایش کارآئی و کم کردن کارکنان و کوچک کردن سازمان.

همچنین، ظهور رویکرد مدیریت دولتی نوین تأثیر بسزائی بر اصلاح اداری کشورهای مختلف، بویژه کشورهای توسعه یافته داشته است. بارزترین تاثیر، تغییر روابط میان بخش های دولتی و خصوصی بوده است (کامنسکی، ۲۰۱۶: ۲۵۱-۲۵۰). به اعتقاد "پالت ۶" (۱۹۹۵)، نقش مدیران شامل تدوین اهداف روشن، تبادل نظر در مورد مقاصد، تخصیص منابع برای تحقق اهداف کنترل هزینه ها، انگیزش کارکنان، ارتقاء کارآئی، تلاش استراتژیک و ایجاد فرهنگ سازمانی مناسب است. براساس این رویکرد، اصلاح مدیریت دولتی ترکیبی از سه چهره است: ۱- چهره مهندسی مجدد، برگرفته از تلاش های بخش خصوصی در زمینه بازسازی ساختارها و فرآیندهای سازمانی؛ ۲- چهره بهبود مستمر، برگرفته از جنبش کیفیت؛ ۳- چهره کوچک سازی، ناشی از تلاش جهانی برای کوچک کردن اندازه دولت (کتل، ۲۰۱۶: ۱۳۲). تغییر از مدل سنتی امور اداری به مدل جدید مدیریت دولتی بیانگر یک تغییر اساسی در قالب فکری (پارادایم) است. همان طور که "هیوز" بیان می دارد: اصلاح مدیریت دولتی به معنای یک تغییر جهت کلی است؛ تغییری نه تنها در مدیریت دولتی، بلکه همچنین در روابط بین بازار و دولت، دولت و بوروکراسی، دولت و شهروندان، و بوروکراسی و شهروندان. علاوه بر آن امروزه برای حکمرانی خوب از سوی مجامع بین المللی ویژگی هایی مطرح می شود که مهمترین آنها عبارتند از: پاسخگویی، مسولیت پذیری، شفافیت، اجماع محوری، قانون مداری، کارایی و اثر بخشی، مشارکت، انصاف و عدالت (ویگودا، ۲۰۱۵: ۱۹۳-۱۹۲).

### ۲-۳-۴- انتقادهای مربوط به مدیریت گرایی نوین

ساخت مؤسسات بیشتر دارد و بیشتر به دنبال حل مشکلاتی نظیر کاهش بهداشتی، فقر روستایی، اعتیاد و ... است (عباس زاده، ۲۰۱۴: ۶۳).

### ۲-۳-۲- تأثیر مدیریت دولتی نوین در اصلاح نظام اداری

در مورد درجه تاثیر عناصر مختلف مدیریت دولتی نوین در تلاش های اصلاحی کشورهای مختلف، اتفاق نظر وجود ندارد. با این وجود، برخی از اندیشمندان (مثلاً بوستون، ۲۰۱۶؛ کامنسکی، ۲۰۱۶؛ هود، ۲۰۱۹؛ چی یانگ و روزنبولوم، ۲۰۱۶) معتقدند که با به کارگیری عناصر مدیریت دولتی نوین در اصلاحات اداری، تغییرات گسترده ای را می توان انتظار داشت. ولی این تغییرات، از دید کامنسکی (۲۰۱۶) زمانی حاصل خواهند شد که به موارد زیر توجه شده و مورد استفاده قرار گیرند:

- تاکید بر مهارت های مدیریتی به عنوان مکمل مهارت در خط مشی گذاری.
- تغییر جهت از کنترل های دورن داد و روش ها و مقررات بوروکراتیک به تکیه بر برون دادهای قابل کمی شدن و اهداف عملکرد.
- عدم تمرکز کنترل های مدیریتی همراه با استراتژی جدید گزارش دهی، نظارت و پاسخگویی.
- قائل شدن اولویت برای مالکیت خصوصی، واگذاری امور به بخش های غیردولتی، و رقابت در عرصه دولتی جهت تامین خدمات.
- تجزیه ساختارهای بوروکراتیک بزرگ به سازمان های نیمه مستقل، بویژه جدا کردن وظایف تجاری از وظایف غیرتجاری، و تدوین خط مشی از اجرای خط مشی.
- تقلید از عملکردهای مدیریتی بخش خصوصی نظیر استفاده از قراردادهای کاری کوتاه مدت، توسعه برنامه های شرکتی کلان، توافق در مورد عملکرد و تدوین بیانیه رسالت.

چرا که این عوامل بدلیل خलाهای قانونی موجود، فرصت برای سودجویی شخصی و تخلفات اداری را افزایش می دهد(لربی، ۲۰۱۸).

#### ۲-۴-۴- حکمرانی خوب ۷

از زمان زایش و استقلال رشته مدیریت دولتی از رشته های با پیشینه طولانی تری چون حقوق و علوم سیاسی، نظریات مختلفی جهت نحوه اداره و مدیریت بخش دولتی و فراهم آوردن رفاه بیشتر برای شهروندان از سوی اندیشمندان ارائه شده است که در چارچوب پارادایم های زمان خود، به اظهار نظر و ارائه راه حل پرداخته اند(وارث، ۱۳۹۰). یکی از شناخته شده ترین این پارادایم ها، پارادایم مدیریت دولتی سنتی ۸ است. این پارادایم یا جریان فکری تا اوایل دهه ۱۹۸۰، پارادایم مطرح در حوزه مدیریت بخش دولتی بود. اما با ظاهر شدن ابعاد منفی و نقاط ضعف آن، در همین سالها در کشورهای انگلیس و آمریکا، پارادایم دیگری به نام مدیریت دولتی نوین، تولد خود را اعلام داشت و "خصوصی سازی و پیمانکاری" را شعار اصلی خود قرار داد. اما وعده و عیدهای این جریان فکری نیز در بسیاری از کشورها حتی در کشورهای مبدع آن، سرابی بیش نبود و بزودی مشخص شدند این پارادایم نیز قادر نیست خیر و رفاه مناسب و عادلانه ای برای شهروندان فراهم سازد. پس بشر مجددا در جستجوی پارادایم های دیگری برآمد. ظهور «خدمات عمومی نوین ۹» و حکمرانی خوب از جمله آنهاست(البته اگر بتوان با توجه به تعریف پارادایم، آنها را پارادایم نامید). در این دوره ماهیت مسائل مدیریتی دولت تغییر یافت، در دوره های پیشین مسأله ابعاد دولت(بزرگی و کوچکی آن) مطرح بود. اما در این دوره مسأله کمیت دولت جای خود را به کیفیت مداخله دولت می دهد(رزمی و صدیقی، ۱۳۹۱: ۴). حکمرانی خوب ارائه شده است تا بخشی از برنامه ایجاد «دولت های توانمندساز ۱۰» باشد. یعنی دولت های که فضای مناسب را برای مانور موسسات و شهروندانی فراهم می نمایند که موجب رشد و توسعه بهره برداری مؤثر از منابع می شوند. دولت توانمندساز

در پی اجرای برنامه ی همه جانبه ی اصلاحات اداری و مدیریتی در بخش عمومی، انتقادهایی نیز بر آن ابراز شده است که چند مورد از آن ها به صورت چکیده وار در اینجا بیان می شود:

#### ۲-۳-۴-۱- شالوده اقتصادی مدیریت گرایی

به اعتقاد برخی صاحب نظران، اقتصاد یک دانش اجتماعی ناقص است و کاربرد آن در دولت نیز کاستی هایی پدید می آورد. همچنین گفته می شود گر چه اقتصاد به عنوان شالوده نظام اقتصادی و بخش خصوصی، صحت و اعتباری دارد، کاربرد آن در دولت نتیجه بخش نیست(هیوز، ۱۳۹۷: ۱۴۹).

#### ۲-۳-۴-۲- شالوده مدیریت بخش خصوصی

در زیر چتر اصطلاحات مبتنی بر بازار، هنجارها و استانداردهای منحصر به فرد خدمات عمومی نظیر شهروندی، نمایندگی، پاسخ گوئی، برابری، بی طرفی و... با هجوم هنجارهای بازرگانی نظیر رقابت، کارایی، بهره وری و سودآوری به حاشیه رانده می شود(دانایی فرد، ۱۳۹۳: ۸۹).

#### ۲-۳-۴-۳- تیلوریسم جدید

به اعتقاد پولیت، مدیریت گرایی، احیای نظرات مدیریت علمی تیلور می باشد و بازگشت به این نظریه، توسعه رفتار سازمانی را از زمان تیلور تا کنون نادیده می گیرد یا حذف می کند(پالیت، ۱۹۹۰).

#### ۲-۳-۴-۴- مشخصات مبهم

تعریف دقیقی از مدیریت دولتی نوین یا مدیریت گرایی وجود ندارد. فهرستی از چیزهای مورد نظر - اندازه گیری عملکرد، مشوق ها، بودجه بندی برنامه ای و غیره - در دست است اما تعریف مشخصی وجود ندارد(هیوز، ۱۳۹۷: ۱۴۹).

#### ۲-۳-۴-۵- ایجاد زمینه فساد

مدیریت دولتی نوین ممکن است منافع شخصی و فساد را بین خط مشی گذاران و سران بوروکرات که چشم به خصوصی سازی و برون سپاری دوخته اند، افزایش دهد

۹ - New Public Services  
۱۰ - enabling states

۷ - Good governance  
۸ - Public Administration

نمایندگی لزوماً به این مفهوم نیست که منافع و علایق اغلب آسیب پذیران در جامعه در تصمیم گیری لحاظ گردیده است. مشارکت مستلزم آن است که متشکل و سازمان دهی شود. این امر به مفهوم آزادی ایجاد تشکل و آزادی بیان از یک سو و جامعه مدنی سازمان یافته از سوی دیگر است (هداوند، ۲۰۱۴: ۸۰).

#### ۲-۱-۴-۲- حاکمیت قانون

حکمرانی خوب مستلزم ساختارهای حقوقی عادلانه ای است که بی طرفانه اعمال شوند. حکمرانی خوب هم چنین منوط به حمایت کامل از حقوق بشر به ویژه حمایت از حقوق آن هایی است که در اقلیت هستند. اعمال بی طرفانه قوانین مستلزم وجود قوه قضاییه مستقل و نیروی پلیس بی طرف و فسادناپذیر است (هداوند، ۲۰۱۴: ۸۰).

#### ۲-۱-۴-۳- شفافیت

شفافیت به این معناست که تصمیم گیری و اجرای آن به شیوه ای انجام شود که تابع قواعد و مقررات باشد. شفافیت هم چنین به این مفهوم است که اطلاعات برای کسانی که این تصمیمات و اجرای آن ها بر آنان تأثیر می گذارد، آزادانه در دسترس و مستقیماً قابل دستیابی باشد. شفافیت هم چنین به این معناست که اطلاعات به میزان کافی ارائه و تأمین گردد و اینکه این اطلاعات به شکل های قابل فهم و از طریق رسانه های همگانی عرضه شوند (هداوند، ۲۰۱۴: ۸۰).

#### ۲-۱-۴-۴- انعطاف پذیری (حساسیت و داشتن واکنش)

حکمرانی خوب مستلزم آن است که نهادها و فرآیندها سعی کنند تا در یک محدوده زمانی معقول در خدمت همه «گروه های هم سود» باشند.

#### ۲-۱-۴-۵- وفاق محور

در هر جامعه ای، بازیگران متعدد و دیدگاه های متنوعی وجود دارند. حکمرانی خوب، مستلزم میانجی گری میان علایق و منافع مختلف و نامشابه در جامعه برای رسیدن به وفاقی عام و چگونگی دستیابی به آن در موردی است که

بخشی از تفکر اصلاح شده لیبرالیسم است که لزوماً همراه با «دولت کوچک» نمی باشد بلکه بر «دولت بهتر» تأکید می کند. بنابراین برنامه حکمرانی خوب، فرزند لیبرالیسم اصلاح شده ای است که بر این واقعیت اتفاق نظر دارد که بهره برداری بهینه از منابع وابسته به شیوه های حکمرانی و مشارکت همگانی است (هامس، ۲۰۱۲: ۱۲۳). تعاریف متعددی از حکمرانی خوب ارائه شده است. بر اساس تعریف اتحادیه اروپا: «حکمرانی خوب مدیریت شفاف و پاسخگوی منابع در یک کشور با هدف تضمین توسعه اقتصادی و اجتماعی عادلانه و پایدار است. در تعریفی دیگر: «حکمرانی خوب متضمن احترام سیاستمداران و سازمان ها به حقوق بشر و اصول دموکراسی و حاکمیت قانون است. به علاوه حکمرانی خوب به طور خاص به موضوع مدیریت عمومی منابع به منظور ایجاد اقتصادی توانمندساز و شیوه های توزیع مربوط می شود.» در این بحث به بررسی حکمرانی خوب و مفاهیم مرتبط با آن خواهیم پرداخت (هداوند، ۲۰۱۴: ۷۷).

#### ۲-۱-۴-۲- ویژگی های حکمرانی خوب

در اینجا ویژگی های حکمرانی خوب، بر اساس روایت «کمسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه»<sup>۱۱</sup> ارائه می گردد. بر این اساس حکمرانی خوب هشت ویژگی دارد. حکمرانی خوب: مشارکت جویانه، وفاق محور، پاسخگو، شفاف، انعطاف پذیر، کارآمد و اثربخش، منصفانه و فراگیر و تابع حاکمیت قانون است. حکمرانی خوب تضمین می کند که فساد به حداقل برسد، دیدگاه های اقلیت به حساب آید و اینکه صدای آسیب پذیران در روند تصمیم گیری شنیده شود. حکمرانی خوب به نیازها و احتیاجات فعلی و آتی جامعه حساس و پذیرای آنهاست (هداوند، ۲۰۱۴: ۷۹-۷۸).

#### ۲-۱-۴-۲- مشارکت

مشارکت مردان و زنان، سنگ بنای حکمرانی خوب است. مشارکت می تواند مستقیم یا از طریق نهادها و نمایندگان واسط قانونی باشد. لازم به ذکر است که دموکراسی

## ۲-۴-۲- دلایل توجه به حکمرانی خوب

دولتها در آغاز قرن ۲۱، با چالشهای جدیدی مواجه شده اند. از جمله: ۱- در عصر جهانی شدن، دولتها باید واکنش فعالانه ای به فرصتهای مثبت اقتصادی و واکنشهای تدافعی نسبت به فشارهای منفی اقتصادی از خود نشان دهند. ۲- بروز تغییرات جمعیتی در اکثر کشورها، بر دولتها به عنوان کارفرما و فراهم کننده خدمات تأثیر گذاشته است. جمعیت اکثر کشورها، مسن تر شده است و این جمعیت مسن، خواهان خدمات اجتماعی بیشتری است. همچنین، سازمانهای دولتی باید برای استخدام افراد ماهر و با انگیزه با سازمانهای غیر انتفاعی و کارفرمایان خصوصی رقابت کند. خصوصاً اینک سطح دستمزدها در بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی پایین تر است. پس، سازمانهای دولتی باید مشوقهای غیر پولی دیگری برای استخدام و حفظ کارکنان با عملکرد بالا شناسایی کنند و این چالشی بزرگ برای آنها خواهد بود. ۳- بخش دولتی با انتظارات جدید شهروندان تحصیل کرده روبرو خواهد بود. بدین معنی که شهروندان، انتظار دریافت خدمات با کیفیت بالاتری را خواهند داشت. بنابراین دولتها باید قابلیت هایی برای شهروندان و ذی نفعان فراهم آورند تا آنها بتوانند در موضوعات عمومی مشارکت فعالتری داشته باشند. ۴- و نهایتاً، انتظارات پرسنل سازمانها تغییر کرده است و پاسخگویی به این انتظارات، شرایط جدیدی را می طلبد. از این رو پاسخگویی به این چالشها نیازمند برخورداری از حکمرانی صحیح در سطح کلان جامعه است (استور، ۲۰۱۶: ۲۱۶).

## ۲-۴-۳- تفاوت حاکمیت دولت با حکمرانی خوب

حکمرانی واژه ای است که از اوایل دهه ۱۹۹۰ رایج شد و معمولاً مشابه با دولت و به جای آن مورد استفاده قرار گرفته است. فرهنگ فشرده آکسفورد دولت را به عنوان مجموعه ای از نهاد های تشکیل شده از افراد که، یک اداره و یا وزارتخانه را هدایت و اداره می کنند، تعریف می کند. این فرهنگ همچنین دولت را به عنوان عمل "روش حکومت کردن" تعریف می کند. این فرهنگ تعریف بسیار

بهترین منفعت را برای کل اجتماع در بر دارد. حکمرانی خوب هم چنین مستلزم سعه نظر و روشن بینی گسترده و طولانی مدت در مورد آن چیزی است که برای توسعه انسانی پایدار و چگونگی نیل به اهداف چنین توسعه ای مورد نیاز است. این امر صرفاً نتیجه درک بسترهای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه یا گروه معین است (هداوند، ۲۰۱۴: ۸۱).

## ۲-۴-۱-۶- انصاف و فراگیری

سعادت و بهروزی یک جامعه وابسته به اطمینان از این موضوع است که همه اعضای آن احساس کنند که سهمی در آن دارند و این که احساس نکنند که از جریان و روند کلی جامعه کنار گذاشته شده اند. این امر باعث می شود که همه گروه ها و به ویژه اغلب آسیب پذیران فرصت بهبود و تأمین سعادت خود را داشته باشند (هداوند، ۲۰۱۴: ۸۱).

## ۲-۴-۱-۷- کارآمدی و اثربخشی

حکمرانی خوب به این مفهوم است که فرآیندها و نهادها منجر به نتایجی می شوند که نیازهای جامعه را تأمین می کنند و در عین حال بهترین بهره برداری از منابع در اختیار را امکان پذیر می نمایند. هم چنین مفهوم اثربخشی (بهره وری) در بستر حکمرانی خوب، استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست را شامل می شود (هداوند، ۲۰۱۴: ۸۲).

## ۲-۴-۱-۸- پاسخگویی

پاسخگویی شرط اصلی حکمرانی خوب است. نه تنها نهادهای حکومتی بلکه حتی بخش خصوصی و نهادهای جامعه مدنی نیز بایستی به عموم مردم و ذی نفعهای خود پاسخگو باشند. بسته به این که تصمیمات متخذه یا اقدامات انجام شده در یک سازمان یا موسسه، درونی یا بیرونی هستند، مشخص می شود که این نهادها در مقابل چه کسانی پاسخگو هستند. به طور کلی یک سازمان یا موسسه به- کسانی پاسخگو خواهد بود که تصمیمات یا اقدامات وی بر آنها تأثیر می گذارد. پاسخگویی نمی تواند بدون شفافیت و حاکمیت قانون تحقق یابد (هداوند، ۲۰۱۴: ۸۲).

تصمیم بگیرند تا شهر خود را تمیز کنند (رودا و سانیا، ۲۰۱۱: ۷). مشارکت‌هایی که مردم از آن سود می‌برند می‌تواند شهروندان، مقامات دولتی و کسب و کارها را با یکدیگر هماهنگ کند، تا به برخی مسائل عمومی بپردازند و آنها را بر طرف کنند. امروز، دولتها اشکال مختلف مشارکت را تجربه می‌کنند که در آن، سیاستمداران یا دولتمردان، با سایر بخشهای جامعه، قدرت را به اشتراک می‌گذارند. این اشکال مختلف مشارکت به دلایل مختلف شکل می‌گیرند. جامعه به این نکته پی برده است که هر گروه، سهم و نقش خاصی در برطرف ساختن یک مسئله پیچیده دارد و یا اینکه، دولتها تمایل دارند به سرمایه کسب و کارها، دسترسی یابند. عمومیت یافتن چنین روابطی، این سوال را پیش آورده است که: چه کسی باید در چه کاری مشارکت داده و درگیر شود؟ به‌عنوان مثال: برخی این سوال را مطرح می‌کنند که دولت تا چه اندازه باید با حوزه‌های مختلف در زمینه‌هایی که نفع عمومی مطرح است مثل آموزش و پرورش و یا بهداشت، مشارکت کند؟ پروفیسور دونالد کتل در کتاب خود با عنوان «تغییر حکمرانی ۱۲» مباحثی را در خصوص تمایز بین دولت و حکمرانی ارائه می‌دهد. دولت یک فراساختار نهادی ۱۳ است که جامعه برای تبدیل سیاستها به خط مشی‌ها و قانون مورد استفاده قرار می‌دهد. حکمرانی، پیامد (نتیجه) تعامل دولت، خدمات عمومی و شهروندان از طریق فرایند سیاسی، توسعه خط مشی، طراحی برنامه و ارائه خدمت است. دولتها، نهادهای خاصی هستند که در حکمرانی مشارکت دارند. دولتهایی که نماینده مردمند، در جستجوی حمایت شهروندان هستند. با این حال، این دولتها نیازمند مشارکت فعال کارکنان خود هستند. حکمرانی، نتیجه سیاستها، خط مشی‌ها و برنامه هاست (رودا و سانیا، ۲۰۱۱: ۸). در اصل، مفهوم حکمرانی را می‌توان برای اشکال مختلف اقدامات اشتراکی مورد استفاده قرار داد. حکمرانی متوجه ابعاد استراتژیک تر هدایت است، یعنی اتخاذ تصمیمات کلان‌تر در خصوص نحوه هدایت و نقشها. به‌عبارت دیگر، حکمرانی فقط

مشابهی برای حکمرانی ارائه می‌دهد که عبارت است از: "عمل، روش، حقیقت و یا وظیفه حکومت کردن، نفوذ و کنترل". همانگونه که مشاهده می‌شود، این دو واژه بسیار گمراه کننده و مبهم اند. اما این ابهام در کاربرد این دو واژه، پیامد های نامناسبی را به‌همراه خواهد داشت. نتیجه آن خواهد بود که مسائل مربوط به خط مشی، بی‌چون و چرا تبدیل به یک مسئله دولتی می‌شود. پیامد منطقی این موضوع، چنین خواهد بود که مسئولیت رسیدگی به این مسئله ضرورتاً بر دوش دولت قرار می‌گیرد و راههای دیگر برای پرداختن به مسئله و یا بخشهای دیگر جامعه که باید در پرداختن به مسئله از خود ابتکاراتی بروز دهند، مد نظر قرار نخواهند گرفت پس، یکی دانستن دولت با حکمرانی، روشهای شناسایی مسئله را محدود خواهد کرد و باعث گمراه شدن فرد در شناسایی استراتژی‌های مختلفی می‌شوند که برای برطرف کردن مشکل، در دسترس و مناسب خواهند بود. بطور خلاصه، وجود ابهام در واژه شناسی مرتبط با حکمرانی می‌تواند پیامد های اجرایی مهمی در پی داشته باشد. این امر ممکن است بر تعریف مسئله و نحوه تجزیه و تحلیل خط مشی رفع آن تأثیر بگذارد. زمانی که دولت در نظر شهروندان به‌عنوان نهادی مستقل مطرح می‌شود (به جای اینکه یک فرایند باشد)، نیاز به حکمرانی به‌عنوان مفهومی جدای از دولت خود را آشکار می‌نماید. گفته می‌شود که در آتن باستان که به‌عنوان مهد دموکراسی شناخته شده است، شهروندان در بازار شهر همدیگر را ملاقات می‌کردند تا به مسائل مورد توجه جامعه و نحوه رفع آن بپردازند. در چنین شرایطی، دولت فرایندی بود برای پرداختن به مسائل و رفع آن. با این حال، امروزه دولت بندرت به‌عنوان یک فرایند تعریف می‌شود، بلکه به‌عنوان یک نهاد و یا مجموعه ای از نهادها نگریده می‌شود و تنها یکی از چندین بازیگر اصلی در اجتماع است. زمانی که دولت قادر به انجام کاری نباشد، سایر عاملان و بازیگران، ممکن است وارد عمل شوند و آن کار را انجام می‌دهند. مثلاً شهروندان با یکدیگر

<p>اتفاق نظر: حکمرانی خوب، منافع مختلف را تعدیل می کند تا به اتفاق نظر گسترده در خصوص بهترین نفع گروه و بهترین سیاست ها و رویه ها دست یابد.</p>	
<p>نگرش استراتژیک: رهبران جامعه دیدگاهی گسترده و بلندمدت در خصوص حکمرانی خوب، توسعه انسانی و آنچه که برای نبل به چنین توسعه ای مورد نیاز است، دارند. همچنین، پیچیدگی های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی که این دیدگاه در آن قرار گرفته است، به خوبی شناخته شده اند.</p>	<p>۲) هدایت (Direction)</p>
<p>پاسخگویی: مؤسسات و فرآیندها سعی می نمایند تا به کلیه ذی نفعان ارائه خدمت نمایند. کارآیی و اثربخشی فرآیندها و مؤسسات با بهترین استفاده از منابع، نیازها را برآورده می سازد.</p>	<p>۳) عملکرد (Performance)</p>
<p>مسئولیت پذیری: تصمیم گیران بخش دولتی، بخش خصوصی و سازمان های جامعه مدنی در برابر جامعه و ذی نفعان سازمان مسئولند. این مسئولیت پذیری با توجه به نوع سازمان ها و اینکه چه موقع تصمیمات درونی است و یا بیرونی، متفاوت خواهد بود. شفافیت: شفافیت بر اساس جریان آزاد اطلاعات شکل می گیرد. فرآیندها، مؤسسات و اطلاعات، به طور مستقیم در اختیار کسانی قرار می گیرند که با آن ها ارتباط دارند و اطلاعات کافی برای شناخت و نظارت بر آن ها ارائه می شود.</p>	<p>۴) مسئولیت پذیری (Accountability)</p>
<p>برابری: کلیه مردان و زنان از فرصت بهبود و حفظ سلامتی شان برخوردارند. حکومت قانون: چارچوب های قانونی باید عادلانه باشد و بدون تبعیض و جانبداری به اجرا درآیند، خصوصاً قوانین مربوط به حقوق انسانی.</p>	<p>۵) انصاف و برابری (Fairness)</p>

#### ۴- روش شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر ارائه مدل حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه است. روش این تحقیق از نظر هدف کاربردی است و به روش اکتشافی انجام شده است. و نحوه گردآوری داده ها به روش کمی صورت گرفته است و ابزار

متوجه این سوال نیست که " به کجا برویم " بلکه در پی پاسخگویی به این سوالات نیز هست: چه کسی باید در تصمیم گیری دخیل باشد؟ و با چه ظرفیتی؟ مفهوم حکمرانی در چهارسطح زیر مطرح است: ۱) حکمرانی در فضای جهانی، که با مسائل فراتر از حوزه دولتهای ملی سروکار دارد. ۲) حکمرانی در فضای ملی، یعنی درون یک کشور. این سطح خود دارای سطوح زیر است: سطح ملی، استانی، شهری و محلی. ۳) حکمرانی در فضای سازمان یا حکمرانی سازمانی. این سطح شامل فعالیتهای مختلف سازمانها می شود که معمولاً باید در برابر هیأت مدیره پاسخگو باشد. برخی از این سازمانها خصوصی اند (نظیر شرکتهای تجاری خصوصی) و برخی دیگر دولتی نظیر (بیمارستانها، مدرسه ها، شرکتهای دولتی و...). ۴) حکمرانی در فضای جوامع محلی، که این سطح شامل فعالیتهایی در سطح محلی می شود (صانعی، ۱۳۹۵: ۳۱).

#### ۲-۴-۱- اصول پنج گانه حکمرانی خوب

تعریف اصول حکمرانی خوب، بسیار مشکل است. برنامه توسعه سازمان ملل متحد (۱۹۹۷)، مجموعه ای از اصول را تشریح کرده است که با کمی اختلاف، تقریباً در سطح جهانی پذیرفته شده است. باید توجه داشت که این اصول غالباً با یکدیگر تداخل دارند و در بعضی مواقع، با یکدیگر در تضاد هستند. بکارگیری این اصول، بسیار مشکل بوده و کلیه آنها متوجه نتایج حاصل از قدرت نیستند، بلکه به نحوه اعمال قدرت نیز توجه دارند. در جدول ۱-۲، این اصول ارائه شده است.

#### جدول ۱-۲: اصول پنج گانه حکمرانی خوب منبع: (صانعی،

۱۳۹۵: ۲۸)

<p>مشارکت: کلیه مردم باید در تصمیم گیری نقش داشته باشند، چه به صورت مستقیم و چه از طریق مؤسسات واسطه قانونی که نظرات مردم را ارائه می کند. این مشارکت گسترده بر اساس آزادی، مشارکت و آزادی بیان و ظرفیت در مشارکت می تواند مؤثر افتد.</p>	<p>۱) مشروعیت و حق اظهار نظر ( Legitimacy ) (and Voice)</p>
---	---

استفاده می‌گردد. و در تحلیل استنباطی به روش تحلیل عاملی، به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته خواهد شد.

## ۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

### ۱-۲-۵- توصیف داده‌ها

تعداد آزمودنی در این تحقیق شامل ۲۹۲ نفر بوده است که ویژگی‌های جمعیت شناختی آنها به صورت زیر می‌باشد: بررسی انجام شده در زمینه جنسیت پاسخ‌دهندگان منتخب در نمونه نشان می‌دهد ۷۳.۶ درصد پاسخگویان (۲۱۵ نفر) پاسخ‌دهندگان زن، ۲۶.۰ درصد پاسخگویان (۷۶ نفر) پاسخ‌دهندگان مرد و در نهایت ۰.۳ درصد پاسخگویان (۱ نفر) پاسخ‌دهندگان نامشخص هستند؛ بنابراین پاسخ‌دهندگان زن فراوانی بیشتری در این پژوهش دارند. بررسی انجام شده در زمینه سن پاسخ‌دهندگان منتخب در نمونه نشان می‌دهد: ۱.۴ درصد سن پاسخ‌دهندگان (۴ نفر) بین ۲۰-۳۰ سال، ۴۷.۶ درصد سن پاسخ‌دهندگان (۱۳۹ نفر) بین ۳۱-۴۰ سال، ۴۱.۸ درصد سن پاسخ‌دهندگان (۱۲۲ نفر) بین ۴۱-۵۰ سال، و ۹.۲ درصد سن پاسخ‌دهندگان (۲۷ نفر) ۵۰ سال به بالا می‌باشد. بررسی انجام شده در زمینه سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان منتخب در نمونه نشان می‌دهد: ۱.۰ درصد پاسخ‌دهندگان (۳ نفر) دارای تحصیلات دیپلم، ۲.۷ درصد پاسخ‌دهندگان (۸ نفر) دارای تحصیلات لیسانس، ۶۹.۵ درصد پاسخ‌دهندگان (۲۰۳ نفر) دارای تحصیلات فوق لیسانس، و در نهایت ۲۶.۷ درصد پاسخ‌دهندگان (۹ نفر) دارای تحصیلات دکتری، می‌باشند.

### ۲-۲-۵- تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها

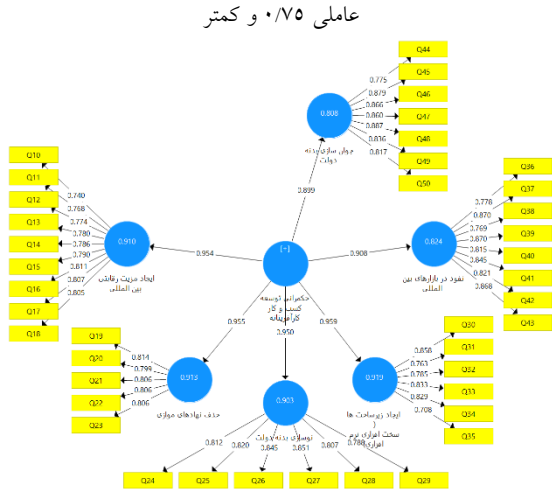
جهت بررسی و تعیین مدلی مناسب برای ارائه مدل حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه از روش تحلیل عاملی استفاده شد. در ادامه مدل تحلیل عاملی شاخص‌های ارائه مدل حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه را ملاحظه می‌فرمائید. اگر بار عاملی کمتر از ۰/۳ باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرف نظر می‌شود.

گرد آوری داده‌ها نیز پرسشنامه بود. از روش تحلیل استنباطی و توصیف داده‌ها و استفاده از تحلیل عاملی، برای تحلیل داده‌های پرسشنامه و ارائه نتایج استفاده خواهد شد. پرسشنامه باید بین کلیه مدیران و معاونین آموزشی و معلمان در مراکز پیش‌دبستانی شهر تهران توزیع می‌شود. جهت محاسبه حجم نمونه از یکی از پر کاربردترین روش‌ها یعنی فرمول کوکران<sup>۱۴</sup> استفاده شد. لذا بر همین اساس، حجم نمونه به تعداد ۲۹۲ در این پژوهش همکاری کردند. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به ادبیات و مبانی نظری، تدوین فرضیه‌ها و ارائه الگوی اولیه موضوع از روش‌های کتابخانه‌ای (مطالعه‌ی کتاب‌ها، مقالات، مجلات، طرح‌های پژوهشی و بانک‌های اطلاعاتی (ایترنتی) و همچنین دو پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. **روایی پرسشنامه:** از آن جا که محتوای پرسشنامه، مولفه‌هایی را نشان می‌دهد که دارای بالاترین ضریب اهمیت می‌باشند، با توجه به تایید سوالات توسط خبرگان، روایی محتوای پرسشنامه مورد تایید قرار گرفته است. **پایایی پرسشنامه:** در ابتدا جهت انجام آزمون‌های آماری، جهت تأیید قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه کرونباخ آلفا محاسبه شده است. کرونباخ آلفا برای سنجش میزان تک بعدی بودن نگرش‌ها، قضاوت‌ها و سایر مقولاتی که اندازه‌گیری آنها آسان نیست به کار می‌رود. هر قدر همبستگی مثبت بین سوالات بیشتر شود، میزان کرونباخ آلفا بیشتر خواهد شد و بالعکس هر قدر واریانس میانگین سوالات بیشتر شود آلفای کرونباخ کاهش پیدا خواهد کرد. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که ضریب آلفای کل پرسشنامه ۹۸٪ می‌باشد که ابزار استفاده شده از پایایی مطلوبی برخوردار است. تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، به دو روش توصیفی و استنباطی از طریق نرم افزار SPSS 16 و Smart PLS انجام می‌شود. در این تحقیق برای توصیف داده‌ها از آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد فراوانی، جدول توزیع فراوانی، ترسیم نمودارها و همچنین توصیف ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه



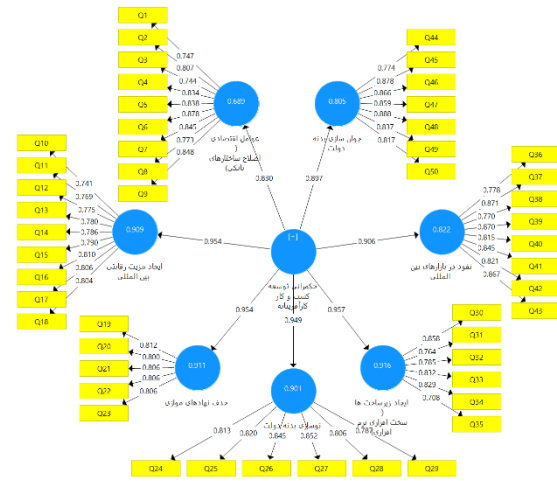
از تحلیل عاملی تأییدی می‌باشد. نتایج را در نمودارهای ذیل ملاحظه می‌فرمائید.

نمودار ۸- مدل تحلیل عاملی (تأییدی مرحله اول) شاخص‌های ارائه مدل حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه، با حذف بارهای عاملی ۰/۷۵ و کمتر



بارعاملی بین ۰/۳ تا ۰/۶ قابل قبول است و اگر بزرگتر از ۰/۶ باشد خیلی مطلوب است. (کلاین، ۱۹۹۴).

نمودار ۶- مدل تحلیل عاملی اکتشافی شاخص‌های حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه



در حال حاضر کلیه مولفه‌ها، با بارعاملی بالای ۰/۶، نشان دهنده این است که مدل «خیلی مطلوب» است. در ادامه، بارعاملی مدل به تفکیک مولفه‌ها در جدول ذیل آمده است:

جدول ۳۶- معناداری بارهای عاملی و ضریب مسیر مولفه‌های حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه

ردیف	مولفه	بارعاملی	ضریب مسیر
۱	عوامل اقتصادی (اصلاح ساختارهای بانکی)	۰.۶۸۹	۰.۸۳۰
۲	ایجاد مزیت رقابتی بین‌المللی	۰.۹۰۹	۰.۹۵۴
۳	حذف نهادهای موازی	۰.۹۱۱	۰.۹۵۴
۴	نوسازی بدنه دولت	۰.۹۰۱	۰.۹۴۹
۵	ایجاد زیرساخت‌ها (سخت‌افزاری)	۰.۹۱۶	۰.۹۵۷
۶	نفوذ در بازارهای بین‌المللی	۰.۸۲۲	۰.۹۰۶
۷	جوان سازی بدنه دولت	۰.۸۰۵	۰.۸۹۷

جدول ۳۸- ضریب مسیر خروجی تحلیل عاملی

ردیف	مسیر	ضریب مسیر
۱	ایجاد مزیت رقابتی بین‌المللی <<< نفوذ در بازارهای بین‌المللی	۰.۹۵۴
۲	نفوذ در بازارهای بین‌المللی <<< ایجاد زیرساخت‌ها (سخت‌افزاری)	۰.۹۰۸
۳	ایجاد زیرساخت‌ها (سخت‌افزاری) <<< نرم‌افزاری	۰.۹۵۹
۴	حذف نهادهای موازی <<< نوسازی بدنه دولت	۰.۹۵۵
۵	نوسازی بدنه دولت <<< جوان سازی بدنه دولت	۰.۹۵۰
۶	جوان سازی بدنه دولت	۰.۸۹۹

نمودار ۷- ضریب مسیر خروجی تحلیل عاملی



جدول ۳۹- اولویت مولفه‌ها بر اساس بارعاملی هر مولفه

اولویت	مولفه	بارعاملی
اولویت اول	ایجاد مزیت رقابتی بین‌المللی	۰.۹۲۰
اولویت دوم	حذف نهادهای موازی	۰.۹۲۳
اولویت سوم	ایجاد زیرساخت‌ها (سخت‌افزاری)	۰.۹۱۸

همانگونه که در مدل تحلیل عاملی اکتشافی ملاحظه شد، از مولفه‌هایی که معرف شاخص‌های ارائه مدل حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه بود، به دلیل آنکه هیچ یک از مولفه‌ها بار عاملی کمتر از ۰/۳ نداشت، از روند تحلیل عاملی حذف نگردیدند و با توجه به اینکه کلیه گویه‌های باقیمانده بزرگتر از ۰/۶ بود، مدل «خیلی مطلوب» است. در ادامه محقق با حذف مرحله‌ای مولفه‌های با بارهای عاملی ۰/۷۵ و کمتر، به دنبال رتبه‌بندی مجدد شاخص‌ها با استفاده

اولویت	نوسازی بدنه دولت	۰.۹۱۱	شاخص	دامنه قابل قبول	نوسازی بدنه دولت	ایجاد زیرساخت ها	نفوذ در بازارهای بین‌المللی	جوان سازی بدنه دولت
چهارم			خی دو (X <sup>2</sup> )	-	۴.۰۱۷	۲.۳۳۸	۲.۵۴۸	۸.۹۴۳
			درجه آزادی	-	۱۳	۳۷	۲۸	۳۳
			X <sup>2</sup> /df	۳ ≤	۰/۳۰۹	۰/۰۶۴	۰/۰۹۱	۰/۲۷۱
			RMSEA	۰/۰۸ ≤	۰/۰۷۳	۰/۰۲۲	۰/۰۲۸	۰/۰۸۷
			RMR	۰/۰۸ ≤	۰/۰۳۵	۰/۰۲۷	۰/۰۰۹	۰/۰۳۳
			NFI	نزدیک به ۱	۰/۹۵	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۹۹
			CFI	نزدیک به ۱	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۸
			GFI	نزدیک به ۱	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۳
			AGFI	نزدیک به ۱	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۹

در نهایت با توجه به مدل تحلیل عاملی شاخص‌های حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه در نمودار ۶، «ارائه مدلی جهت حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه»، به شرح ذیل ارائه می‌گردد:



جدول ۱۸- شاخص‌های برازش الگو

شاخص	دامنه قابل قبول	عوامل اقتصادی (اصلاح ساختارهای بانکی)	ایجاد مزیت رقابتی بین‌المللی	حذف نهادهای موازی
خی دو (X <sup>2</sup> )	-	۸.۷	۱۰.۳۹۷	۳.۳۴۴
درجه آزادی	-	۲۹	۳۷	۱۹
X <sup>2</sup> /df	۳ ≤	۰/۳۰۰	۰/۲۸۱	۰/۱۷۶
RMSEA	۰/۰۸ ≤	۰/۰۳۸	۰/۰۹۷	۰/۰۱۳
RMR	۰/۰۸ ≤	۰/۰۱۹	۰/۰۴۳	۰/۰۱۹
NFI	نزدیک به ۱	۰/۹۳	۰/۹۰	۰/۹۱
CFI	نزدیک به ۱	۰/۹۶	۰/۹۳	۰/۹۳
GFI	نزدیک به ۱	۰/۹۷	۰/۹۱	۰/۹۵
AGFI	نزدیک به ۱	۰/۹۳	۰/۹۱	۰/۹۹

همانگونه که ملاحظه شد RMSEA، RMR، NFI، CFI و در نهایت AGFI محاسبه شده برای کل مدل، نشان از برازش مدل دارد. در پایان لازم به توضیح است که مقدار RMSEA<sup>۱۵</sup> و RMR<sup>۱۶</sup> کمتر از ۰/۸، و GFI<sup>۱۷</sup> و AGFI<sup>۱۸</sup> بالای ۰/۹۰٪ و نزدیک به یک، همگی نشان‌دهنده اعتبار مدل هستند. همه این شاخص‌ها از مقادیر مطلوبی برخوردارند. در الگوی حاضر مؤلفه‌های الگوی حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه (عوامل اقتصادی (اصلاح ساختارهای بانکی)، ایجاد مزیت رقابتی بین‌المللی، حذف نهادهای موازی، نوسازی بدنه دولت، ایجاد زیرساخت ها (سخت‌افزاری نرم‌افزاری)، نفوذ در بازارهای بین‌المللی، و در نهایت جوان سازی بدنه دولت) به عنوان متغیرهای مشاهده شده ۱ و متغیر حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه به عنوان متغیر مکنون ۲ در نظر گرفته شده است. شاخص‌های برازش الگو در تحلیل عاملی، برازش الگو را تأیید می‌نمایند.

## ۶- بحث و تفسیر

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی مناسب برای حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش به منظور شناخت بهتر موضوع در زمینه حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه و همچنین

Goodness of Fit Index <sup>۱۷</sup>  
Adjusted Goodness of Fit Index <sup>۱۸</sup>

Root Mean Square Error of Approximation <sup>۱۵</sup>  
Root Mean Square Residual <sup>۱۶</sup>

شناسایی ابعاد و مولفه‌های آن، از طریق تکنیک دلفی با نظرسنجی از خبرگان دانشگاهی و صاحب‌نظران، متخصصین و افراد آگاه در زمینه حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه می‌پردازند. در پژوهش حاضر معیار اعتبار پذیری تا حد امکان رعایت شد. بدین شکل که پژوهشگر در تمام مراحل پژوهش، هدف و سؤال پژوهش را در نظر داشت و خط‌مشی خود را بر اساس آن تعیین کرد تا دسترسی به اطلاعات معتبر از خبرگان را مقدور سازد؛ پژوهشگر طی فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها دیدگاه و استراتژی خود را مورد بازبینی قرار داد. همچنین، در این پژوهش نیز تلاش شد تا اصل اعتماد تا حد امکان رعایت شود. مراحل انجام پژوهش و تحلیل داده‌ها به روشنی توصیف شد تا هر خواننده و منتقدی بتواند آن را مورد حسابرسی قرار دهد. در نهایت شاخص‌ها شناسایی شد که به صورت پرسشنامه محقق ساخته در اختیار حجم نمونه قرار گرفت. به منظور تعیین روایی پرسشنامه از روایی ظاهری، محتوایی و سازه استفاده شد. در این پژوهش پایایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی محاسبه شد. روش تحلیل داده‌ها در بخش کیفی تکنیک دلفی بود و در بخش کمی نیز در قسمت استنباطی برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش از آزمون‌هایی نظیر تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS نیز بهره گرفته شد. همانگونه که در بیان مسئله نیز بیان شد، دیده‌بان جهانی کارآفرینی هر ساله آماری از وضعیت کارآفرینی در کشورهای زیادی از دنیا ارائه می‌دهد که وضعیت کارآفرینی را در شاخص‌های متنوعی در سراسر دنیا نشان می‌دهد اما در عین حال بیان می‌کند که هر کشوری با توجه به وضعیت فاکتورهای محیطی و زمینه ای خود، در سطح مشخصی فعالیت کارآفرینانه را خواهد داشت. از طرف دیگر در حالی که دیدگاه‌های رایج در مورد کارآفرینی غالباً روی استارت‌آپ‌های مستقل متمرکز است، GEM توجه به ثبات و ارزش مداوم و همچنین چالش‌های مربوط به کسب‌وکارهای بالغ و نیاز به کارآفرینی در انواع مختلف

مشاغل مانند کسب‌وکارهای خانوادگی، کارآفرینی سازمانی، و کارآفرینان انفرادی را مورد توجه قرار می‌دهد. بر اساس گزارش این سازمان در سال ۲۰۱۸، با وجود اینکه نرخ فعالیت‌های استارت‌آپی در ایران از ۱۳ درصد در سال ۲۰۱۷ به ۱۰ درصد در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته است، اما جامعه کارآفرینی ایران همچنان قوی است. همچنین طبق گزارش سال ۲۰۱۹ این سازمان، ۳۷.۹٪ مردم ایران در صدد راه‌اندازی کسب و کار جدید خودشان در ۳ سال آتی هستند (شاخص قصد کارآفرینانه) و در میان ۵۰ کشور فعال عضو این کنسرسیوم پژوهشی، ایران در این شاخص در جایگاه یازدهم قرار دارد که جایگاه خوبی است. به تازگی نرخ اهداف کارآفرینانه در بین جوانان، به ویژه موارد با تحصیلات دانشگاهی افزایش یافته است که این موضوع به دلیل تاکید دولت بر ترویج فرهنگ کارآفرینی در آموزش عالی و آموزش و پرورش است. لذا در حوزه کسب و کارهای کارآفرینانه، پتانسیل خوبی برای بهبود و توسعه وجود دارد و توجه و سرمایه‌گذاری در این زمینه برای تحقق رشد و شکوفایی اقتصادی کشور، ضرورتی انکارناپذیر است. این در حالی است که از میان افرادی که در یک بازه زمانی سه ساله در کشور، قصد کارآفرینی داشتند، تنها ۱۷ درصد وارد مرحله کارآفرینی نوپا شده‌اند و در بین آنان تنها ۷ درصد به مرحله ثبات رسیده و ۴ درصد از کسب و کار خود خارج شده‌اند. این آمار نشان می‌دهد عملکرد مطلوبی به لحاظ سیاست‌گذاری در حوزه کسب و کار وجود نداشته است، چرا که بی‌توجهی به ایجاد و توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه به معنای از دست دادن فرصت‌های رونق اقتصادی است که شاید هیچگاه دوباره تکرار نشوند. همچنین از سوی دیگر توسعه کارآفرینی نقش شایسته‌ای برای حضور فعال در بازارهای جهانی، اشتغالزایی پایدار، نوسازی بدنه دولت، کاهش فقر و حل مشکلات جامعه دارد. کارآفرینان در همه کشورها و فرهنگ‌ها وجود دارند. ولی سطح و میزان کارآفرینی در جوامع مختلف یکسان نیست. بنابراین سوال اصلی محقق این بود که مدل حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه در ایران چگونه است؟ لذا محقق پس از انجام پژوهش به

- برنامه‌ریزی به منظور در نظر گرفتن کارایی بلندمدت سازمانهای دولتی و در عین حال توجه به برنامه‌های میان مدت
- برنامه‌ریزی به منظور ارزیابی و پایش مستمر فعالیتهای سازمان و مقایسه با دیگر سازمانهای موفق
- برنامه‌ریزی به منظور شناسایی و درک نیازهای ذی نفعان سازمان و به روزرسانی خدمات و فعالیتهای

ب- سازوکارهای مناسب برای ارتقاء بعد سطح ملی

۴- سازوکارهای مناسب برای ارتقاء مولفه عوامل اقتصادی (اصلاح ساختارهای بانکی)

- انجام اقدامات لازم در راستای تدوین برنامه جهت کاهش تاثیر عملکرد بانک‌ها در وضعیت اقتصادی
- انجام اقدامات لازم در راستای اصلاح الگوی سرمایه‌گذاری‌های خرد و بی هدف
- انجام اقدامات لازم در راستای افزایش درآمد بانک از طریق سرمایه‌گذاری بر فناوری و منابع انسانی

۵- سازوکارهای مناسب برای ارتقاء مولفه ایجاد زیرساخت‌ها (سخت‌افزاری نرم‌افزاری)

- برنامه‌ریزی به منظور وجود امکانات و الزامات اطلاع‌رسانی و دسترسی سریع به آنها
- برنامه‌ریزی به منظور افزایش کیفیت بستر سازی شبکه اطلاع‌رسانی
- برنامه‌ریزی به منظور دسترسی سریع به مراکز مرتبط و مکمل فعالیت‌های سازمان

ج- سازوکارهای مناسب برای ارتقاء بعد سطح بین‌المللی

۶- سازوکارهای مناسب برای ارتقاء مولفه ایجاد مزیت رقابتی بین‌المللی

این سوالات پاسخ داده و دغدغه خود را که در بیان مسئله به آن اشاره کرد را از نتایج تحقیق، مرتفع کرد.

## ۷- پیشنهادات مبتنی بر یافته‌ها

با توجه به آنچه تا کنون گفته شد، از جمع‌بندی مطالعات و پژوهش‌های پیشین و همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات و نیز بررسی عوامل و مولفه‌های الگوی نظام آموزشی مبتنی بر رویکرد شناختی، از جمله سازوکارهای مناسب برای الگوی حکمرانی توسعه کسب و کار کارآفرینانه را بر اساس اولویت‌بندی مولفه‌های تأیید شده در الگو، می‌توان چنین برشمرد:

الف- سازوکارهای مناسب برای ارتقاء بعد سطح کسب و کار/سازمان

۱- سازوکارهای مناسب برای ارتقاء مولفه جوان سازی بدنه دولت

- برنامه‌ریزی به منظور ساختاردهی مجدد به فرایندها در راستای حذف فرایندهای غیرضروری
- برنامه‌ریزی به منظور کاهش چرخه زمانی فعالیتهای در سازمانهای دولتی و خصوصی
- برنامه‌ریزی به منظور آموزش و ارتقای مهارتهای کارکنان جهت پذیرش تکنولوژی

۲- سازوکارهای مناسب برای ارتقاء مولفه حذف نهادهای موازی

- انجام اقدامات لازم در راستای بررسی مستمر ساختار سازمانی و تطبیق ساختار با تغییرات محیطی
- انجام اقدامات لازم در راستای بررسی انطباق فعالیتهای با اهداف و استراتژیهای سازمان
- انجام اقدامات لازم در راستای بررسی مستمر وظایف عملیاتی واحدهای مختلف و کنترل و اصلاح فعالیتهای

۳- سازوکارهای مناسب برای ارتقاء مولفه نوسازی بدنه دولت

- انجام اقدامات لازم در راستای توسعه خوشه های صنعتی با استفاده از رویکردی بازخوردی و پویا
- انجام اقدامات لازم در راستای پایین آوردن هزینه ها از طریق فناوری، هوش تجاری و نوآوری
- انجام اقدامات لازم در راستای ارائه آموزش های لازم جهت تقویت استانداردهای سازمان در سطح بین المللی

#### ۷- سازوکارهای مناسب برای ارتقاء مولفه نفوذ در بازارهای بین المللی

- برنامه ریزی به منظور رشد اقتصاد داخلی جهت جذب تقاضا و ایجاد بنگاه بین المللی
- برنامه ریزی به منظور ارتقای ظرفیت تولید و فعالیت های تحقیق و توسعه
- برنامه ریزی به منظور بیمه ریسک سیاسی سرمایه گذاری

#### ۸- پیشنهادات برای پژوهش های آتی

- سایر متغیرهایی موثر بر حکمرانی توسعه کسب و کار ها نیز مورد بررسی قرار گیرند و با نتایج این پژوهش مقایسه گردند؛
- در پژوهشی این کار صورت پذیرد: تعیین عوامل خاص در حکمرانی توسعه کسب و کار در شرایط ویژه کشور؛
- در پژوهشی این کار صورت پذیرد: مقایسه تطبیقی بین حکمرانی توسعه کسب و کار با کشورهای منتخب و موفق.

## منابع و ماخذ

۱. ابراهیم‌پور، حبیب؛ روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۸۷). بررسی جایگاه رسانه ملی در الگوی حکمرانی پایداری در ایران. مدیریت دولتی، ۱(۱)، ۲۷-۴۳.
۲. احمدی، اصغر (۱۳۹۹). «عوامل فرهنگی بروز فساد اداری و موانع فرهنگی مبارزه با آن»، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۳، ص ۱۱۶.
۳. امامی، علیرضا؛ ربیعی مندجین، محمدرضا؛ اسلامبولچی، علیرضا؛ شمس، مجید (۱۳۹۹). سنجش تفکر استراتژیک تدوین‌کنندگان خط‌مشی درآمدهای پایدار شهرداری‌های میانه با رویکرد حکمرانی خوب در افق ۱۴۰۴. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۱۰(۴۰)، ۱۳۷-۱۷۰.
۴. امامی، محمد و استوارسنگری، کوروش (۱۳۹۸). حقوق اداری، تهران: انتشارات میزان، پاپ ۹.
۵. آدمیت، فریدون (۱۳۵۱). اندیشه ترقی و حکومت قانون، عصر سپهسالار، تهران: خوارزمی.
۶. آدینه‌وند، علی‌اصغر؛ علیان، مهدی (۱۳۹۵). حکمرانی خوب شهری در ایران: اولویت‌بندی مؤلفه‌ها و معرفی‌ها. فصلنامه علمی راهبرد، ۲۵(۴)، ۳۲-۵۱.
۷. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۰). آینده نگری: مردم تهران، نگرانی‌ها و آینده، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۸. آشتیانی، منوچهر (۱۳۹۱). درباره برخی از علل تاریخی عدم حاکمیت قانون در جامعه ایران، در معمای حاکمیت قانون در ایران، عباس عبدی (ویراستار)، تهران: طرح نو.
۹. آهنی، منا؛ موسی‌خانی، مرتضی؛ نجف بیگی، رضا؛ افشارکازمی، محمدعلی (۱۳۹۸). تحلیل خوشه‌ای جایگاه ایران در جهان و روندهای آتی مبتنی بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب. آینده‌پژوهی مدیریت، ۳۰(۱)، ۹۹-۱۱۸.
۱۰. بازرگان، عباس و همکاران. ۱۳۹۸. روشهای تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه. چاپ چهارم، ص ۴۰۵.
۱۱. بهرامی، محمداقبر؛ اکبرزاده، فریدون؛ شهابی، روح‌اله؛ جلال‌پور، شیوا (۱۳۹۹). حاکمیت قانون و پیامدهای حقوقی حکمرانی خوب در ایران. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۱۰(۱)، ۲۹-۴۷.
۱۲. بیکر، ترز. ال، (۱۳۹۷). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
۱۳. پاداش، حمید؛ خداپناه، بهمن (۱۳۹۴). برآورد تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر اقتصاد دانش بنیان در کشورهای منتخب. فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، ۲۰(۳)، ۱۸۷-۱۶۵.
۱۴. پررخیده، احمد (۱۳۹۷). حکمرانی خوب فرصتی برای امنیت اقتصادی، گزارش ویژه مطالعات امنیت اقتصادی، شماره ۱۱ (چاپ اول)، تهران: انتشارات تدبیر.
۱۵. جلالی فراهانی، علیرضا؛ موسی‌خانی، مرتضی؛ الوانی، سید مهدی؛ کاظمی، ابوالفضل (۱۴۰۰). طراحی الگوی مدیریت منابع انسانی پایدار هم‌سو با حکمرانی مطلوب پایدار در نظام اداری ایران. فصلنامه مدیریت منابع در نیروی انتظامی، ۱۴۰۰(۱)، ۹۱-۱۲۸.
۱۶. حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۹۳). مجازات عمل حرام و تعارض آن با قانون مداری در قانون اساسی؛ نشریه حقوق اساسی، س ۲، ش ۳.
۱۷. حجاریان، سعید (۱۳۹۱). حاکمیت قانون و ساختار سیاسی، در معمای حاکمیت قانون در ایران، زیر نظر عباس عبدی، تهران: طرح نو.
۱۸. حسینی، سید محمد (۱۳۹۰). نقدی بر ماده دوم قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، ماهنامه دادرسی، شماره ۱۷.
۱۹. خاکی، غلامرضا (۱۳۹۱). راهبرد مجازی سازی دولت، مهمترین چالش پیش روی نظام اداری در برنامه

- Favorable Ruling. *Political Science*, 17(67), 133-166. (in Persian)
28. Amjad, T., Rani, S. H. B. A., & Sa'atar, S. B. (2020). Entrepreneurship development and pedagogical gaps in entrepreneurial marketing education. *The International Journal of Management Education*, 18(2), 100379.
29. Anderson, M. (1971). Analyzing & assessing accountability: A conceptual framework. *European Law Journal*, 13(4), 447-488 .
30. Aucoin, P & Heintzman, R. ( 2015). The dialectic of accountability for performance in public management reform, *International of accountability for performance in public management reform. International Review of Administrative Science* 66, 45-55.
31. Bahrami, M. B., Akbarzadeh, F., Shahabi, R. & Jalalpour, S. (2020). The rule of law and the legal consequences of good governance in Iran, *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*, 10(4), 29-47. (in Persian)
32. Bansal, P., & Song, H. C. (2017). Similar but not the same: Differentiating corporate sustainability from corporate responsibility. *Academy of Management Annals*, 11(1), 105-149.
33. Biberhofer, P. (2019). The economization of education and the implications of the quasi-commodification of knowledge on higher education for sustainable development.
34. Bolston, B. (2016). *The guest for responsibility: Accountability & citizenship in complex organizations*. Cambridge: Cambridge University Press .
35. Borre, Ole (2015). Critical issues and political alienation in Denmark. *Scandinavian Political Studies* 23:258-309.
36. Bovens, M. (2018). *Public accountability (Annual Conference of the European Group of Public Administration (EGPA), Lisbon, Portugal* .
- چهارم توسعه، فصلنامه فرآیند مدیریت و توسعه، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، شماره ۵۸.
۲۰. خاکی، غلامرضا (۱۳۹۲)، راهنمای طرح و تدوین و نقد تحقیق، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
21. Abe, T. (2010). Beyond the Moral Panic: The Good Governance Option to Youth Socio-Economic Empowerment in Nigeria. *International Journal of Administrative Studies and Research*, 1(2), 16-16.
22. Acemoglu, D., Robinson, J. A., & Verdier, T. (2012). Can't we all be more like Scandinavians? Asymmetric growth and institutions in an interdependent world (No. w18441). *National Bureau of Economic Research. Working Paper*, 18441. DOI 10.3386/w18441
23. Adinevand, A. & Alian, M. (2017). Good Urban Governance: The Prioritization of Components and Indicators. *Strategy*, 25(4), 32-51. (in Persian)
24. Ahani, M., Mosakhani, M., Najafbeigi, R., Afsharkazemi, M. (2019). Cluster Analysis of Iran's Position in the World and Future Trends Based on Good Governance Components. *Future study Management*, 30(116), 99-118. (in Persian)
25. Aliaskari, M., Azizi, S., Hajipour, B. (2020). Designing and explaining the entrepreneurship development pattern in Iran's cyberspace with emphasis on resilient economy policies. *Basij Strategic Studies*, 21(81), 104-136. (in Persian)
26. Alina, V., Florin, C., & Nicoleta-Claudia, M. (2021). The Impact of Good Governance on Entrepreneurship in Terms of Sustainable Development. In *Contemporary Issues in Social Science*. Emerald Publishing Limited. Bingley, 307-325.
27. Alini, M., Ghafari, G., Zahiri, A. (2015). *Religious Foundations of Social Investment and its Relationship with*